

## « نهر و انسان بود »

همه میدانند که نهر و عمری را در راه آزادی هند بمبارزه پرداخت ، سالیان دراز در زندان بسربرد ، ثروت خود را در راه کشور خود نثار کرد کوشش ها کرد ، فداکاریها نمود ، هزاران نفر را با تعلیمات سیاسی و فرهنگ پرورش داد تا هندیان توانستند استعمار را از هند بیرون اندازند ، استقلال و عظمت هندوستان را تأمین نمایند . مسلمانان هند هم گام بگام گاندی و نهر و برداشتند ، خونها ریختند ، ثروتها دادند ، فداکاریها نمودند اینک نتیجه آن همه سختی ها ، تیره روزیها و آوارگی هارا می بینید چه ثمر خوبی داد ، استقلال هند بدست آمد ، جانبازان انقلاب و آزادی هند توانستند برای ملت و کشور خود بهترین خدمت و جان فشانی را نمایند ، در دنیای پر آشوب امروز هند را بحساب میگذارند آراء و نظریه های مرد بزرگ هند جواهر لعل نهر و مورد توجه و دقت دانشمندان و بزرگان سیاست دنیا می باشد .

آری آسیا و آفریقا بیدار شد ، استعمار دیگر نمی تواند بصورت — های در شرق باقی باشد نهر و از دانشمندان بزرگ بشمار میرفت ، کتاب های «زندگانی من» و «نگاهی بتاریخ» از آثار فراموش نشدنی است ، کتاب زندگانی من شرح زندگانی و فداکاری و جان فشانی های نهر و و سایر آزادیخواهان هند می باشد که در راه استقلال و آزادی هندوستان چه فداکاریها نمودند ، آیا شما خوانندگان گرامی هیچ شرح احوال و آثار بعضی از انبیاء بین اسرائیل و بزرگان دیگر بشریت را خوانده اید؟! کتابهای بسیار نفیس «زندگانی من» بقلم گاندی ترجمه برزین و «زندگانی من» و «نگاهی به تاریخ» بقلم نهر و ترجمه تفضلی را هرگاه نخوانده اید؟! درست دقت کنید و بخوانید ، این کتابها سرو صدائی راه انداخت ، هوشمندان دنیا این رشته از کتابها را مورد توجه قرار دادند ، دنیا دانست که شرق هنوز نمرده است ، از خواب گران بیدار شد ، اینک روشنائی از افق شرق دنیای مادی غرب را پرتو افکند .

آقاخان محلاتی هم خاطرات خود را بصورت کتابی منتشر ساخت ، در تألیف آن بزرگترین نویسندگان و دانشمندان غرب دست داشت بقول شاعر باید گفت :

حال هندویان سیاه و لفلل هندی سیاه

هر دو جاسوزند ، اما این کجاو آن کجا

لحظات تاریخ ، کتابی است از مجموعه نامه های جواهر لعل نهر و که

بدختر خود نوشت این کتاب دقیق دوره تاریخ عالم را از دیده يك انسان کامل بصورت نامه نگاری مورد بحث و انتقاد قرار داد ، چنان مو شکافی در حوادث بزرگ جهانی نمود که هر کس کتاب را بخواند از دیده دیگر دنیا را خواهد نگریست هر گاه تاریخ نویسی و دانستن تاریخ این است که جواهر لعل نهر و نوشت دیگران چه میگویند و چه می نویسند ؟ این نامه ها در سخت ترین روزها بقلم پیشوای اجتماعی و سیاسی هندو دوست و شاگرد باوفای گاندی برشته نگارش درآمد و به بیشتر زبانهای جهان ترجمه و منتشر گردید هنگامیکه مهاتما گاندی به همراه جواهر لعل نهر و و ابوالکلام آزاد با سایر آزادیخواهان و ده ها هزار نفر پیروان خود يك لنگ به کمر بسته و لنگ دیگری را بدور بدن خود می پیچیدند و در راه هند برای می افتادند ، در خیابان ها ، شهرها ، دیه ها شعار میدادند خواهان استقلال هند بودند و لوله های در اقلیم هندوستان می انداختند !! چندین هزار نفر در آفتاب سوزان برای می افتادند و فستیوال برپا میکردند گوئی عرصات روز محشر بود ، رستاخیز برپا میگشت آری جانبازي و فداکاری مردان بزرگ بود که هند استقلال پیدا کرد و تجدید حیات سیاسی خود را بدست آورد ، دنیا با آنان احترام میگذارد ، تاریخ بشریت هیچگاه خدمت گران خود را فراموش نمیکند !

نهر و در مسائل اجتماعی بسیار دقیق و صاحب نظر بود مانند يك فیلسوف اجتماعی فکر میکرد ، آراء و عقاید اجتماعی او گذشته از اینکه برای هند ارزش دارد برای آثانی که در فلسفه اجتماع و تاریخ کار می کنند شایان توجه و دقت است .

اینک قسمتی از آراء او در فلسفه زندگانی در اینجا نقل می گردد تا معلوم گردد که از لحاظ ارزش علمی و اجتماعی میتوان جواهر لعل نهر و را در ردیف برتراندراسل و جان دیوئی قرار داد . زندگانی عبارت است از انطباق دائمی با اوضاع و احوال متغیر و با تغییرات . هر شکل سیاسی و اقتصادی یا اجتماعی نظم و انضباط خاص را همراه دارد . معمولا در هر جامعه يك سلسله انطباق های مذهبی و انطباق عادات و رسوم اجتماعی وجود دارد که شامل بعضی مقررات اخلاقی و انطباق روحی می گردد . وقتی که وظایف و کارها تغییر می پذیرد انطباق های قدیمی هم ضعیف میشوند و تدریجا نظم و انطباق تازه ای بجای آنها بوجود می آید .

سرعت تغییرات فنی در نیم قرن اخیر ضرورت تغییرات اجتماعی را از هر موقع دیگر بیشتر ساخته است و يك حالت عدم انطباق و عدم تعادل دائمی بوجود می آورد . در روزگار سابق خیلی ساده تر بود و با طبیعت تماس بیشتر داشت و برای اندیشه و تفکر فرصت زیادتر بود حالا

زندگانی روز بروز مشکل تر میشود و فرصت کمتری برای تفکر باقی می ماند. حتی در آنجا که فرصت و فراغتی هست شخص نمی داند با این فرصت چه بکند و چگونه از آن استفاده برد؟!

در کشورهای تکامل یافته مسئله استفاده از فراغت اکنون خود يك مسئله دشوار شده است منتها این مسئله اکنون با هند ارتباط پیدا نمی کند و در آینده نزدیک هم هند با آن مواجه نخواهد گشت .

وقتی که زندگی از طبیعت دور شد و بتدریج بیش از پیش با ماشین بستگی پیدا کرد کم کم لذت خود را از دست میدهد و حتی مفهوم کار و وظیفه هم در آن از دست میرود .

اخلاق و انضباط روحی درهم می شکند و يك نوع حرمان زدگی و باس پیش می آید که بدنبال آن این احساس پیدا میشود که در تمدن کنونی چیزی نادرست و ناقص وجود دارد . برای رفع این نقیصه بعضی ها از بازگشت بسوی طبیعت و زندگی ساده تر روزگاران قدیم صحبت می کنند. اما هراندازه هم که زندگانی طبیعی و ساده و زیبا و خوب باشد دیگر نمی توان بعقب بازگشت زیرا دنیا بسیار تغییر یافته است و نمی توان این تغییرات را ناچیز گرفت .

ممکن است که يك فرد به «ریاضت کشی» به پردازد و از زندگی اعراض کند اما هرگز تمامی يك جامعه نمی تواند چنین کاری بکند بلکه جامعه باید براساس قبول زندگی با تمام مسائل و مشکلاتش متکی شود و بکوشد به حد اکثر این مسائل بپردازد و آنها را حل کند و گرنه زوال می یابد و نابود میشود .

با پیشرفت علوم و فنون امکانات علمی بوجود می آید که بیشتر مسائل اقتصادی جهان حل شود . علوم میتوانند زندگی را بسطح های بالاتر برسانند و راه های توسعه و تکامل را بگشایند . امروز دیگر يك زندگانی مرفه و حتی يك جامعه بدون طبقات مختلف يك ایدآل سوسیالیستی نیست بلکه کشورهای سرمایه داری نیز این فکر را پذیرفته اند منتها طرز اقدام و برخورد ایشان در مورد این موضوع متفاوت است پس می بینیم که ایدآل های اساسی تدریجاً بیکدیگر نزدیک تر میشوند و امکان آن وجود را دارد که هدف ها را بهم نزدیک ساخت هرچند هم که روشهای اقدام متفاوت باشد . این روش ها فقط بر اساس بعضی نظریه های منطقی متکی نخواهد بود بلکه با عوامل مختلف و سوابق تاریخی و اندازه پیشرفت فرهنگی يك کشور یا يك جامعه از قبیل موقعیت جغرافیائی و سوابق تاریخی و مذهبی و اقتصادی و اجتماعی نیز بستگی پیدا میکنند هیچ تغییر واقعی را نمیتوان به آسانی تحمیل کرد هر تغییر باید بدرستی رشد پیدا کند و به کمال برسد و در موقع خود صورت پذیرد .

يك کشور مخصوصا كسورى كه تمدن قدیمی داشته باشد همچون درخت تنومندىست كه ریشه‌هاى عمیقی در گذشته دارد و نمیتوان آنها را يكباره و بدون زیان و ضررى قطع كرد اما بدیهی است كه بسیاری از شاخ و برگهاى فرسوده یا گیاههاى هرزه و مزاحم كه بشکل عادات و رسوم و سازمانهاى پوسیده و زیانبار جلوه میکنند باید نابود و دور ریخته شود. همچنانكه طبیعت تدریجا يك نوع تعادل را برقرار میسازد كه نمیتوان آنها را يكباره و ناگهانی بدون آنكه عواقب شدید و زیانبار بوجود آید متوقف ساخت در يك جامعه یا يك كسور هم نمیتوان و نه لازم است راه قدیمی زندگى بطور ناگهانی تغییر پذیرد و همه چیز واژگون گردد كوشش برای حل مسائل از يك چنین راهی ممكن است مسائل دشوارتر و جدی‌تر را بوجود آورد.

این موضوع بیشتر با جهان خارجى كه مادر آن زندگى میکنیم مربوط میشود تا بازندگى درونی انسان. بطوریکه میدانیم در يك جامعه بدوى و در زندگى قبیله‌ئى هر كوشش برای بوجود آوردن يك تغییر خیلی سریع به عواقب بسیار ناگوار منتهی میگردد در صورتیکه يك جامعه تكامل یافته تر و مترقی‌تر ممكن است بر اثر يك تغییر سریع تا آن اندازه آسیب نپندد اکنون كه ما در عهد هواپیما هاى جت هستیم و در زمانى زندگى میکنیم كه دوران مسافرت بقضا فرا میرسد هیچكس نمیداند كه چه تغییراتی از لحاظ زیست شناسی و غیره ممكن است روى نماید.

موقعیکه در جهان خارج از ما چنین تغییراتی روى مینماید مطمئنا در ذهن و فكر و هیجانات و روح انسان تغییرات بزرگتری روى میدهد.

در طى تاریخ بشر امروز انسان بیش از هر وقت دیگر ناچار است فعالیتها و شكل زندگیش را با تغییرات منطبق سازد بدیهی است انسان نمیتواند با سرعت تغییراتی كه اکنون در جهان روى میدهد همراه شود. انسان امروزی هرچند كه محصول علوم و فنون تغییرات سریع آنها را بكار مینندد و مورد استفاده قرار میدهد اما بندرت آنها را درك میکند و میفهمد.

ظاهراً تصور میشود كه آموزش و پرورش باید يك انسان - اجتماعى بیوراند و نسل جوانرا بمنظور انجام وظایف و كارهاى مفید برای جامعه و شركت جستن در زندگى اجتماعى و دسته جمعى آماده سازد اما وقتیکه خود جامعه هرروز در تغییر میباشد بسیار دشوار است كه بدانیم چگونه میتوان برای زندگى در آن آماده شد یا هدف آینده چه باید باشد؟ اکنون میان تمدن صنعتى و فنى جدید و شكل هاى قدیمی زندگى اجتماعى و فلسفه‌ئى كه آن شكل هارا بوجود آورده بود يك عدم هماهنگی

بوجود آمده است شکل ارتباط با تغییرات طبیعت حتی شکل ارتباط با شخصیت انسان اکنون تغییر می‌پذیرد در جامعه مکانیکی ارزش شخصیت انسانی بتدریج کمتر میشود افراد خودشان را در توده ها گم میکنند و کم کم به صورت قسمتی از يك دستگاه غامض و بزرگ در می‌آیند که دائماً در راه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی تمامی جامعه کار میکند .

سیاری از ما برای پیشرفت و آزادی فرد اهمیت بسیار قائلیم بدیهی است سوابق فکری و ایدئولوژیک باین جریان کمک میدهد یا مانع پیشرفت آن میشود اما شاید مهمترین و مؤثرترین عامل در تقلیل ارزش شخصیت فردی توسعه ماشین ها و خودکار شدن زندگی باشد . «۱»

سالیان دراز آراء و نظریات نهر و نخست‌وزیر فقید هند در سیاست بین‌المللی نقش بزرگی را ایفا مینمود .

پدر و مادر و دختر و خاندان نهر و همه در راه هند فداکاری نمودند ، ثروت‌ها دادند ، زندان رفتند ، سختی ها کشیدند یقین است که تاریخ هند و آزاد مردان و آزاد زنان بشریت نام آنان را همیشه بیاد خواهند داشت .

دختر نهر و در کنگره هند به‌مراه پدر بزرگوار خود نقش بزرگی را در راه تکامل و پیشرفت هند ایفا نمود ، دختر و خواهر نهر و از زنان بزرگ شرق و از افتخارات جهان زنان بشمار می‌روند .

آری آسیا و آفریقا بیدار گشت و مردم ستم دیده آن از خواب گران برخاستند و برای آزادی و استقلال کوشش ها مینمایند و نهر و را یکی از بزرگترین قهرمانان بشریت میدانند و او را انسان میدانستند . آری جهان انسانیت نهر و را بنام يك انسان به کشور هند با‌مانت سپرد و او هم در راه آدمیت و وظیفه خود را بخوبی انجام داد و در راه هند جان سپرد و در آخرین لحظات زندگی خود چنین گفت :

نهر و در وصیت‌نامه خود به تفصیل از علاقه و دل بستگی فراوانی که مردم هند نسبت با او ابراز داشته‌اند اشاره کرده گفته است «من هیچ وقت حتی با انجام بزرگترین خدمات قادر نخواهم بود ، جزئی از آن‌همه علاقه و محبت مردم هند را جبران کنم . جواهر لعل نهر و در وصیت‌نامه خود چنین نوشته است :

«من باین گونه مراسم حتی بعنوان تشریفات ایمان ندارم . تسلیم شدن باین گونه مراسم دو روئی و تشبثی است برای فریب دیگران تنها آرزوی من این است که بتوانم در سال های آخر عمر خود منشأ اثری برای مردم باشم ، دین من بدوستان و همکارانم نیز خیلی بیشتر از اینها است ، ما در پیروزیها و شکست‌های خود که نتیجه اجتناب‌ناپذیر هر-